



سیدعبدالمجید شریف‌زاده

چکیده: هنرمندان هنرهای سنتی و نگارگران ایرانی، غالباً از طبیعت الهام می‌گرفتند و زیبایی‌های طبیعی را در آثار خود تجلی می‌ساختند. گل و مرغ نقشی برگرفته از طبیعت زیبای ایران است که جایگاه خاصی در فرهنگ و هنرهای ملی دارد در تمام رشته‌های هنرهای سنتی به کار گرفته شده است و به‌گونه‌ای بنیادی با هنرهای دیگری چون خوشنویسی به‌ویژه کتاب‌آرایی پیوند یافت. پژوهش در نقش گل و مرغ و بررسی آثار برجای‌مانده در موزه‌های ایران و جهان می‌تواند اطلاعاتی ژرف و دست‌اول به پژوهشگر ارائه کند. جلد گل و مرغ (نقاشی زیر لاک) موجود در موزه ملک یکی از این نمونه‌هاست. گل و مرغ نماد موهبت الهیی و تجلی طریف و لطیف آفریدگار است که به زیبایی بر جلد دعای کمیل موزه ملک نقش بسته است. در بررسی این اثر از نظر روش توصیفی – تحلیلی است که به شیوه اسنادی با مدافه در یک اثر موجود در موزه ملک به معرفی این اثر می‌پردازد. یافته‌ها حاکی از آن است که یکی از نقوش به‌کاررفته در دوره‌های مختلف، نقش گل و مرغ است که در بسیاری از آثار تجلی می‌یابد. جلوه‌های پرنده و مرغ در هنر ایرانی پیشینه‌ای با بلندای تاریخ دارد.

کلیدواژگان: جلد، لاک‌ی روغنی، گل و مرغ، محمود مذهب‌باشی

مقدمه: استفاده از نقوش پرندگان و گل‌ها روی آثاری چون سفالینه‌ها و دیوارنگاره‌ها رایج بوده و در سیر تحول خود در دوره اسلامی جایگاه خاصی دارد. اصولاً هنر ایران زیبایی‌ها را نشان می‌دهد و بهشتی جاودان را معرفی می‌کند؛ چه در جلد‌ها و قلمدان‌ها، چه در قالی و دستبافت‌ها و چه در کاشی‌ها و قلم‌رزی‌ها به‌خوبی خودنمایی می‌کند. گل و مرغ نماد عطیه الهی است. گفت‌وگوی عاشقانه گل با مرغ نیز به تسبیح‌گویی خداوند و ذکر حق تشبیه می‌شود. گل مقام معشوق را دارد و پرنده (مرغ)، عاشق. در سیر تحول این نقوش در دوره اسلامی، نقش‌ها ظرافت و کمال یافته تا گل و مرغ به‌عنوان طرحی اصیل در هنرها جایگاه خاصی داشته باشد.

۱- جلد‌های روغنی:

با ابداع انواع «جلدهای روغنی» نگارگران توانستند چیره‌دستی و مهارت نقاشی خود را بر جلد‌ها نیز جلوه‌گر کنند و به‌این‌ترتیب، پوشش اوراق کتاب، خود جلوه‌گاهی از نقش‌های دل‌انگیز اندرون آن شود. با استناد به قول ابوریحان‌بیرونی این روش از زمان حیات او یعنی بین سال‌های (۴۴۰ – ۳۶۲ ه‍.ق) در ایران معمول و متداول بوده است. ابوریحان در شرح خواص لاک چنین می‌نویسد: «لاک نوعی است از صمغ که رنگ او سرخ باشد و در سجستان (سیستان) پوست بز (میش) را بدان رنگ کنند». نمونه‌های باقی‌مانده از دوران‌های اولیه اسلامی از جلد‌های میشین با رنگ لاک‌ی ساده، خود گواه آن است؛ ولی استفاده از لاک با اسلوبی پیشرفته‌تر، در دوران‌های میانه اسلامی به کار رفته است... در قرن نهم در هرات و در قرن دهم و یازدهم در تبریز و سپس اصفهان و دیگر مراکز هنری نیز بدین روش جلد‌هایی لاک‌ی ساخته و پرداخته شد. در دوران صفویه، در زمان شاه‌طهماسب جلد مقوایی نقاشی‌شده لاک‌ی مرسوم گشته و از آن به‌بعد رواج کلی یافت. طرز کار به این ترتیب بود که روی جلد مقوایی را ابتدا با لایه نازک خمیر گچ می‌پوشاندند و پس از آنکه خشک شد، روی آن را یک ورقه نازک لاک می‌گرفتند. به‌این‌ترتیب، بوم مناسب کار نقاشی آماده می‌شد و نقاشان و طراحان و مصوران چیره‌دست را قادر می‌ساخت تا برای نخستین‌بار روی جلد‌ها را نیز مانند سطوح اوراق کاغذ، نقاشی و تزئین کنند. (بیانی، ۱۳۷۲، ۱۶)

۱- ۱- نقاشی لاک‌ی (پایه‌ماشه): نوعی نقاشی آبرنگ روی اشیای

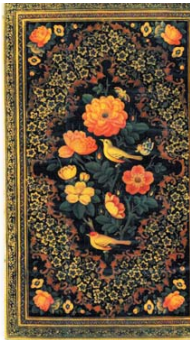
نگاهی به گل و مرغ بر جلد لاک‌ی در موزه ملک

بهاری جاودان در موزه‌های جهان

مقوایی (قلمدان، جلد کتاب، قاب آئینه، رحل قرآن، جعبه آرایش، سینی و...) که رویه آن با ماده جلادهنده [لاک] پوشانده می‌شود. در ایران از اواخر سده یازدهم به‌خصوص در هنرهایی چون قلمدان‌نگاری رایج شد. (پاکباز، ۱۳۷۹، ۵۹۰) این اصطلاح به اشیای مقوایی که با نگارگری روی آن تزئین و با لاک ویژه‌ای پوشش داده می‌شد اطلاق شد. هنرمند ابتدا مقوا یا تخته نازک صافی را به اندازه نیازی که داشت تهیه می‌کرد و روی آن را چندبار لاک می‌زد تا منافذ ریز آن بین برود. سپس با لایه نازکی از گچ روی آن را می‌پوشاند و سپس سمباده می‌زد. صیقل می‌داد و روی آن را با آبرنگ نقاشی می‌کرد. در پایان کار، روی آن را لاک می‌زد تا از اثرات رطوبت و گرد و غبار مصون ماند. (اسکندری، ۱۳۸۱، ۱۴۸) ۱- ۲- نقاشی گل و مرغ: اصطلاحی برای توصیف یک گونه از نقاشی قدیم ایرانی است که دارای موضوع گل، برگ، پرندگان چون بلبل و گاه پروانه بود. نقاشان غالباً، در بازنمایی موضوع از طبیعت مایه می‌گرفتند و اسلوب‌پرداز به کار می‌بردند. به صورت نقاشی مستقل یا در ارتباط با برخی هنرهای کاربردی (چون قلمدان‌نگاری) متداول بوده است. (پاکباز، ۱۳۷۹، ۵۸۸)

جلدهای لاک‌ی از نفیس‌ترین نمونه‌های جلد‌های دوره اسلامی به‌شمار می‌آیند. شیوه ساخت این جلد‌ها یکی از زیرمجموعه‌های ساخته‌های لاک‌ی به‌شمار می‌آید. هنر لاک‌ی در عصر قاجار به نهایت اوج و شکوفایی خود رسید.

۲- جلد لاک‌ی دعای کمیل:



آثار موجود در موزه‌های ایران و جهان گنجینه‌ای ارزشمند از هنرهای ایرانی را در خود دارد و شناخت این نمونه‌ها ما را در آگاهی از سابقه این هنرها و هنرمندان آن یاری می‌کند. یکی از مهم‌ترین موزه‌های خصوصی در ایران که در سال‌های اخیر تحولی اساسی یافته و جزء استاندار‌دترین موزه‌های ایران است، کتابخانه و موزه ملک است که این اثر در آن محفوظ است؛ اثری از دوره قاجار که احتمالاً به قلم محمود مذهب‌باشی شیرازی است.

۳- محمود مذهب‌باشی شیرازی: مذهب‌باشی شیرازی در تذهیب و زرافشانی و حل‌کاری، کمال استادی را داشت. این هنرمند علاوه‌بر صنعت تذهیب در کتابت خطوط نیز دست داشت و آنها را خوش می‌نوشت. استاد محمود در صنعت تذهیب یکنانه شهر بود و در چهره‌پردازی و شبیه‌سازی، قدرت قلم دقیقی داشت و صورت‌ها را شبیه و طبیعی عمل می‌آورد. فرصت‌الدوله شیرازی، در کتاب آثار عجم خود، راجع به میرزاحمود و خویشان وی چنین می‌نویسد: «میرزاحمود مذهب‌باشی فرزند میرزایوسف برادر بزرگ‌تر میرزا علی‌نقی خوش‌نویس است و در تذهیب کمال تسلط را دارد و همچنین برادر ایشان میرزاسدالله مذهب و زر نشان‌کار است و از نجای روزگار است.

وی با «رقم احقر عبادالله محمود مذهب‌باشی» امضاء می‌کرد. (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۰، ۱۱۱۷)

علیرضا آسانلو:

نمایشگاه‌هایمان، باز تاب زندگی معاصر نیست

می‌کنم چشم‌کشیدن کار یک نقاش نیست چون او با زیبایی و احساس و بیان سروکار دارد. این نکته‌ای است که باید به آن دست پیدا کند. موضوع مهم دیگر این است که نوع بودن هنرمند تعیین می‌کند که چه اثری را خلق کند.

۴ چرا در نمایشگاه اخیرتان دیگر سراغ پرتره‌ها نرفتید؟

دقیقا. من رابطه انسان و محیط را درنظر گرفتم چون خیلی پرتره کار کرده بودم و احساس کردم نیاز به فضا دارم البته چهار پرتره در نمایشگاه بود؛ اما موضوع اصلی این کارهایم ارتباط انسان و فضایی است که در آن زندگی می‌کند مثل ما که در تهران زندگی می‌کنیم. تفاوتی که این مجموعه با کارهای قبلی دارد این است که ابعاد کار‌ها خیلی بزرگ است و متریال که آکرلیک است. از رنگ کم کردم و بیشتر به کنتراست توجه کردم. شاید در نگاه اول پرسپکتیوها غلط به‌نظر بیاید اما این تعمدی است؛ یعنی خطوط افقی که مورب است یا نقطه‌گریزی‌هایی که جابه‌جا شده‌اند و برخی از کار‌ها خط افقی دارند که از نظر علم پرسپکتیو اشتباه



تجسمی

این جلد دارای نقش کلی یوته و پرند به حاشیه‌های بسیار زیباست. در ترنج میانی گل و مرغی نقش بسته. در لچک‌های آن با گل‌های ظریف‌تر تزئین شده. دو حاشیه با جدول‌کشی جلد را همانند قابی در میان گرفته است که با جدولی طلایی از هم جدا شده‌اند. ترنج میانی نیز با دو ردیف اسلیمی قاب شده، در میان این دو اسلیمی با گل و برگ کوچک پر شده است.



روی جلد نقش دو مرغ و یک پروانه دیده می‌شود. همان‌طور که در ابتدا بیان شد، نقش گل و مرغ یکی از نقوش رایج در هنر ایران است و پیشینه‌ای طولانی دارد. تصاویر واقعی از پرندگان را با قوه خیال در هم آمیخته و چشمان یکی از این دو مرغ بسته است. این‌گونه روایت می‌کنند که مرغ صبورانه در انتظار شکوفایی گل نشسته و تمام شب را در انتظار شکفتن آن بیدار می‌ماند. اما درست در لحظه شکفتن گل، به خواب می‌رود و بازشدن آن را نمی‌بیند. پرند به حالتی سرمستی از زیبایی گل از عالم ماده جدا شده و صعود به عالم غیرمادی در می‌آورد و گویی در باغی جاودان نشسته است که گل‌های آن خزان ندارد و پژمرده نمی‌شود و مرغان دانما در حال سرودن نغمه‌ها و در انتظار بازشدن غنچه‌ها و شکوفه‌ها نشسته‌اند.

نتیجه‌گیری:

از آنجا که موزه‌ها نقش بسیار مهمی در شناسایی فرهنگ و هنر دارند، با بررسی آثار موزه‌ای می‌توانیم کمک شایانی در شناسایی فرهنگ برداریم. آنچه مشخص است خیلی از این آثار نیاز به پژوهش و معرفی دارند. نبوغ و خلاقیت هنرمندان ایرانی در این آثار به چشم می‌خورد که با تحقیق بر آن می‌توان شیوه و تکنیک مورد استفاده در هر دوره و هر هنرمند را استخراج و در اختیار دانشجویان و هنرآموزان قرار داد.

منابع و مآخذ:

بیانی، سوسن. (۱۳۷۲). تاریخچه لاک‌سازی، اهمیت کاربرد لاک و جلای روغنی در هنرهای ایرانی. موزه‌ها. ش ۱۵. پاییز و زمستان. تهران. پاکباز، روین. (۱۳۷۹). دائرةالمعارف هنر (نقاشی، پیکره‌سازی و هنر گرافیک). ج ۲. فرهنگ معاصر. تهران. اسکندری، مینا (۱۳۸۱). نقاشی روغنی (لاک‌ی) پایه‌ماشه. کتاب ماه هنر. تهران. کریم‌زاده‌تبریزی، محمدعلی. (۱۳۷۰). احوال و آثار نقاشان قدیم ایران. ج ۳، ج ۱. مستوفی، لندن.

♦دکترای پژوهش هنر و عضو هیأت علمی پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی

بوم خاکستری

حذف نام «آبی ایرانی» از منابع غربی



احمدرضا دالوند

هر دورانی باید دایره‌المعارف مربوط به فرم‌های زمانه خودش را کشف، خلق و ابداع کند. این چنین است که حلقه‌های این‌چنین و مستمر تاریخ هنر؛ اعم از فلسفه هنر، جامعه‌شناسی هنر و زیبایی‌شناسی هنر پدید می‌آید. اگر این حقیقت را در مورد ایران بخواهیم بشکافیم، با نگره‌ای قریب به اطمینان می‌گوییم، ما در صد یا ۱۵۰ سال گذشته هیچ کار قابل‌افتخاری در هنر تجسمی نکرده‌ایم. اگر افتخاری باشد که هست، مربوط به اجداد و نیاکان ماست. برای نمونه هنرمند سلیم‌النفس ایرانی توانست اقلیم خود را با فراست و دقت تحسین‌برانگیز بشناسد و دریابد که این اقلیم دو رنگ عمده دارد: خاکی و آسمانی!

پس از چنین دریافتی او توانست کشف حیرت‌آور خود یعنی رنگ آبی ایرانی را بسازد؛ رنگی شگفت‌انگیز که در معماری و نگارگری و سایر تجربیات بصری ما بی‌نهایت به کار رفته است. البته دیری است که در منابع جدید غربی‌ها از آبی تُرکی، آبی پروس و آبی پاریس نام برده می‌شود اما نام آبی ایرانی را بی‌سروصدا از کتاب‌ها و کاتالوگ‌هایشان حذف کرده‌اند.

این رفتار کوکُلوس کلان فرهنگی غرب، در حذف نام «آبی ایرانی» مدت‌هاست که بر نگارنده آشکار شده؛ اما وزارت ارشاد، میراث فرهنگی و دانشگاه‌های ما در خواب تاریخی و متوهم خود، حواسشان به حذف این آبی شگفت و با شناسنامه ایرانی نیست. آبی فیروزه‌ای از ترکیب دو رنگ خاکی و آسمانی به دست آمده و بر کاشی‌ها و نگاره‌های متعددی اعم از میناتور و سفال و آئینه‌ی و... به کار رفته؛ رنگی که پاساژ میان رنگ خاک‌های فراخ ما و آسمان وسیع است؛ رنگی که محصول نگاه ژرفی است که هویت را در متن همین اطراف‌ی که متعلق به ماست کشف کرده و به یکی از ارکان هویت فرهنگی و تشخیص هنری ما برای اعصار متمدنی تبدیل کرده است؛ رنگ شگفت آبی ایرانی که در انحطاط رایج در زمانه ما در غفلتی نابخشودنی متروک مانده و در بهترین حالت با پردازشی اگروتیک به حراج می‌رسد...

این نوشته به دخترم «آبی» تقدیم می‌شود

»Persian Blue

مکعب سفید

تقدیر سازمان ملل از هنرمند ایرانی

کاظم یکایی برای طراحی پوستر خلع‌سلاح از سوی سازمان ملل متحد تقدیر شد. نتایج مسابقه‌ای که با حمایت دفتر امور خلع‌سلاح ملل متحد و به‌منظور بزرگداشت هفتادمین سالگرد نخستین قطع‌نامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد که آرمان حذف تمامی سلاح‌های هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی را بنیان گذاشت، شامل نام سه برنده و تقدیر از ۹ طراح دیگر به‌تازگی اعلام شد. این مسابقه با هدف افزایش آگاهی نسبت به ضرورت خلع‌سلاح هسته‌ای و تشویق شهروندان سراسر جهان برای رساندن پیام و استفاده از استعداد‌های هنری خود جهت ترویج جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای برگزار شد. نفر اول این رقابت جهانی از کشور پرو و نفرات دوم و سوم از ایالات متحده آمریکا بودند. پوستر کاظم یکایی از تهران در میان ۹ پوستر به چشم می‌خورد که به وسیله هیات داوران مسابقه طراحی پوستر خلع‌سلاح سازمان ملل متحد مورد تقدیر قرار گرفت.

آونگ

یادداشت‌هایی درباره هنرمعاصر خان و مان هنرمندان



علیرضا امیرحاجبی

۱- می‌خواهم برای اولین یادداشت سال جدید درباره هنرمندی بگویم که زود سفره هنر و زندگی خویش را جمع کرد و رفت بدون خداحافظی. در همین سیزدهم فروردین که همگان غم‌ها را فراموش می‌کنند و به طبیعت می‌روند و بر سبزه می‌نشینند، بدن کاوه گلستان روی مین رفت و رویداد اسف‌انگیز ۱۵ سال پیش رقم خورد. مشغله‌های ذهنی اجازه نمی‌دهد تا به اندازه‌ای که لازم است درباره گلستان عکاس بنویسم. اما زیاد نوشته‌ام، شاید از همه بیشتر، نمی‌دانم. کاوه گلستان برای من بیشتر یک ایده‌پرداز بود؛ ایده‌پرداز در عکاسی.

هرچند عکاسی جنگ و مستند اجتماعی به دلیل ویژگی و جوهره‌اش نمی‌تواند به شکلی مداوم با مقولات زیباشناسی

معاصر در ارتباط باشد اما در میان جنگ‌ها و ناآرامی‌ها نیز می‌توان ایده‌هایی بس شگرف را از برخی عکاسان مشاهده کرد. ارتباط گلستان با حقیقت تلخ بود. او با محیط در چالش بود. درست است، بیشتر به وجه غم‌انگیز ماجرا می‌پرداخت؛ به فقر، فساد و خشونت و نشان‌دادن رویداد‌ها در

کادر گلستان مستقیم است. کودکی که یکی از چشمانش زخمی شده مستقیم به دوربین گلستان خیره می‌نگرد؛ با پرسش‌های بسیار که پاسخی برای آنها وجود ندارد. خود در گفت‌وگویی می‌گوید که می‌خواهد عکس‌هایش مانند ضربه‌ای باشد به ذهن، قلب و روح مخاطب. مواجهه‌ای مستقیم با خشونتِ عریان که از کنار ما می‌گذرد و به ما لیخند می‌زند. پرتره‌هایش در سکوت هستند مانند اشیا و هستی که در سکوت به انسان نگریسته و خواهد نگریست. نقدی است بر تمدن امروز و دیروز بشر. عکس‌های گلستان پیش‌بینی آینده نیز هست. شاید آینده‌ای تاریک که با خشونت و ابهام در زبان مخلوط خواهد شد. بدفهمی‌های انسان معاصر، نیت‌ها در حوزه زبان بلکه در حوزه تصویر هم نمایان است. گلستان در اشتباه بود. آن رسالتی که می‌پنداشت بر دوش دارد اشتباه بود و جان خود را نیز بر سر این رسالت گذاشت البته دیگران هم در این زمینه مقصر بودند. نمی‌خواهم به کالبدشکافی رویداد تلخ مرگش بپردازم که مجال و حوصله نیست.

۲- یکی از منابع معتبر یا نامعتبر جهانی چند هفته پیش اعلام کرده بود که ایرانیان ویژگی‌هایی دارند از جمله مهربانی، خو‌شناسی و میهمان‌نوازی، چند ویژگی دیگر را نیز گفته بودند از جمله اینکه عجول هستند ایرانیان و زود نتیجه‌گیری می‌کنند و واکنش نشان می‌دهند. نظر نسبتاً درستی است. بدون صبر دست به تصمیم‌گیری می‌زنیم، چیزی می‌گوییم یا کلماتی می‌گذاریم. به عواقیب هم فکر نمی‌کنیم. هفته پایانی سال خبری غیررسمی منتشر شد مبنی‌بر اینکه معاونت هنری وزارت ارشاد و دفتر هنرهای تجسمی قصد دارند از سکوت رسانه‌ای روزهای تعطیلات نوروزی استفاده کرده و موزه هنرهای معاصر تهران را به بخش خصوصی واگذار کنند و این کار در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی صورت می‌پذیرد. همان روز‌ها انجمن نقاشان ایران نامه‌ای هشداردهنده منتشر کرد و به شکلی غیررسمی مدیر موزه هنرهای معاصر نیز اعلام کرد چنین خبری را تأیید نمی‌کنیم و تشنیده‌ایم، درخواستی هم به ما داده نشده است. در اینجا به‌راحتی می‌توان این تعجیل و ناشکیبایی را مشاهده کرد. ابتدا اینکه خصوصی‌شدن چه معایبی دارد؟ چرا نباید یک موزه به بخش خصوصی واگذار شود؟ و بعد این سؤال مطرح می‌شود که خبر تا چه اندازه صحت دارد و کدام منبع آن را منتشر کرده است؟ نکته دیگر آنکه بر فرض صحت این خبر (که تکذیب شد) صدور بیانیه از طرف انجمن بدون مذاکره با طرفین درگیر در ماجرا نشانه چیست؟ توجه کنید به فاصله بین انتشار خبر و واکنش انجمن. سمت دیگر ماجرا به مدیریت موزه هنرهای معاصر بازمی‌گردد که چرا به صورت رسمی و شفاف در وب‌سایت موزه به این موضوع نپرداخته و کار را با تکذیب فیصله داده است. اگر پیگیری روزنامه «شرق» نبود، همان تکذیبیه شفاف‌ی را هم نمی‌خواندیم.

در این افراد‌ی هم هستند که از حسن‌نیت و دلسوزی انجمن

نقاشان سوءاستفاده کرده و با دامن‌زدن به نوعی ناامنی روانی

در محیط تجسمی ایران سعی دارند از این آب گل‌آلود برای

خود ماهی بگیرند و مدیریت تجسمی و معاونت هنری ارشاد

را زیر سؤال ببرند. این چنین است که می‌گوییم دوستان عجله

نکنید. به‌سرعت واکنش نشان ندهید. واگذاری موزه هنرهای

معاصر با این عظمت و حساسیت به‌راحتی واگذارکردن کیوسک

روزنامه‌فروشی که نیست برادران. گنجینه موزه اموال ملی

محبوب می‌شود و متعلق به دولت‌ها نیست. ناظران داخلی و

خارجی هم کم نیستند. مجلس شورای اسلامی هم که هست،

تصمیم‌گیری شتاب‌زده در این مورد به ضرر همگان است.

